

کشف یک عروس دریایی سامورایی در ژاپن!



پژوهشگران ژاپنی گونه‌ای تازه از عروس دریایی را در سواحل شمال شرق کشور کشف کردند؛ موجودی با شاخک‌های چندمتری که علاوه بر زیبایی خیره‌کننده، به گزارش اقتصادسراسرآمد، پژوهشگران به کشفنی شگفت انگیز دست یافتند؛ یک عروس دریایی جدید به رنگ آبی خیره‌کننده که تاکنون در این منطقه دیده نشده بود.

بنابر گزارش فرارو ، به نقل از scitechdaily، این موجود جدید با نام علمی Physalia mikazuki (به معنای مرد جنگ با کلاه خود هالالی) معرفی شده است. این نام ادای احترامی است به داته ماسامونه ، ارباب فتودالی منطقه سندای و یکی از مشهورترین سامورایی‌های ژاپن که کلاه خودی با نشان ماه هلال بر سر داشت.

یوشیکی اوچیای، یکی از نویسندگان این پژوهش درباره نحوه کشف این موجود می‌گوید: در حال کار روی پروژه‌ای کاملاً متفاوت در خلیج سندای بودم که به طور اتفاقی با این عروس دریایی زیبا مواجه شدم؛ نمونه‌ای که قبلاً در این ناحیه ندیده بودم. آن را داخل یک کیسه گذاشتم، با اسکوتر به آزمایشگاه برگشتم و بررسی را آغاز کردم.

ثبت ویژگی‌های منحصربه‌فرد این عروس دریایی کاری بسیار زمان‌بر و دقیق بود. پژوهشگران هر بخش از بدن آن را با طرح‌ها و نقشه‌های قدیمی که دانشمندان قرون گذشته با دست ترسیم کرده بودند، مقایسه کردند. پیچیدگی ساختارها و تعداد زیاد اندام‌های درهم تنیده، کار تشخیص و توصیف گونه جدید را به چالش بزرگی تبدیل کرد بود.

پژوهشگران معتقدند تغییرات جریان‌های گرم اقیانوسی و افزایش دمای سطح دریا عامل حضور این گونه در شمال ژاپن بوده است. تیم تحقیقاتی برای پی بردن به مسیر حرکت این عروس دریایی، جریان‌های سطحی اقیانوس را شبیه‌سازی کرد و دریافت که جریان گرم کوروشیمو می‌تواند آن‌ها را از مناطق جنوبی تر تا سواحل شمالی ژاپن منتقل کند.

این کشف نه تنها از نظر علمی اهمیت بالایی دارد، بلکه پیامدهای زیست محیطی و ایمنی هم به همراه دارد. شاخک‌های این عروس دریایی می‌توانند چند متر طول داشته باشند و تماس با آنها موجب آسیب رسیدن به انسان‌ها شود. بنابراین کارشناسان تأکید می‌کنند که رصد و پایش مستمر سواحل برای حفاظت از شناگران ضروری است. پژوهشگران امیدوارند با ادامه بررسی‌ها، بتوانند اطلاعات دقیق‌تری درباره زیستگاه، رفتار و چرخه زندگی این گونه بدست آورند و نقش آن را در اکوسیستم دریایی بهتر درک کنند

گروه گزارش – حمید الماسی‌نیا– خشکی

آرام و بی‌صدا پیش می‌آید، اما مرگبار است، تشنگی ایران نه با زوزه بادهای کویری که با صدای ترک خوردن زمین آغاز شده است و صدایی که دیگر فقط از بیابان‌ها نمی‌آید، بلکه از دل دشت‌های حاصلخیز، روستاهای قدیمی و حتی شهرهای بزرگ به گوش می‌رسد. در کشوری که زمانی مهد تمدن‌های آبی و هوشمندانه‌ترین نظام‌های قنات در جهان بود، امروز مردم برای چند لیتر آب آشامیدنی در صف می‌ایستند و بحران آب در ایران دیگر قابل‌پیش‌بینی نیست؛ و واقعیتی است که با هر روز تأخیر، نفس طبیعت و جامعه را تنگ‌تر می‌کند.

به گزارش «اقتصاد سراسرآمد»، قرن بیست‌ویکم را قرن «آب» نامیده‌اند؛ قرنی که در آن قدرت کشورها نه با ذخایر نفت، بلکه با میزان دسترسی پایدار به منابع آبی سنجیده می‌شود و در چنین جهانی، ایران با اقلیمی خشک، مدیریت ناپایدار و الگوی مصرف افسارگسیخته در حال عبور از مرز هشدار و ورود به مرحله فروپاشی آبی است. تشنگی ایران، صرفاً مسئله‌ای طبیعی نیست؛ حاصل نیم‌قرن تصمیم‌های کوتاه‌مدت و توسعه‌های بی‌برنامه است که امروز بحران آب، دیگر بحران منابع نیست؛ بحران تفکر و حکمرانی است.

مطالعات اقلیمی سازمان ملل پیش‌بینی می‌کند که تا سال ۲۰۵۰، میانگین بارندگی در خاورمیانه ۲۰ تا ۳۰درصد کاهش یابد اما در ایران، وضعیت وخیم‌تر است وقتی میانگین بارندگی کشور طی ۵۰سال گذشته بیش از ۲۰درصد کاهش یافته و دمای میانگین سالانه حدود ۰٫۸ درجه سانتی‌گراد افزایش داشته است؛ این یعنی چرخه تبخیر تشدید و چرخه تغذیه سفره‌های زیرزمینی مختل شده است. در چنین روندی، ایران به سرعت به سوی اقلیم فوق‌خشک حرکت می‌کند؛ اقلیمی که حتی در صورت بارندگی، زمین توان جذب آب را از دست می‌دهد و به زبان ساده، باران دیگر نجات‌بخش نخواهد بود.

مرگ خاموش سفره‌های زیرزمینی

ایران سال‌هاست بیش از ظرفیت طبیعی خود از منابع آب برداشت می‌کند و گزارش‌های رسمی وزارت نیرو نشان می‌دهد بیش از ۸۵درصد سفره‌های زیرزمینی کشور در وضعیت بحرانی قرار دارند که در بسیاری از این آبخوان‌ها دیگر قابل‌بازگشت نیستند و زمین زیر پای ما به آرامی فرو می‌نشیند. در دشت‌های اصفهان، ورامین، مشهد، رفسنجان و فسا، نرخ فرونشست زمین از ۳۰ تا ۴۰سانتی‌متر در سال فراتر رفته است؛ عددی که ده‌ها برابر میانگین جهانی است. کارشناسان زمین‌شناسی هشدار داده‌اند که ادامه این روند، زیرساخت‌های شهری، خطوط انتقال گاز، راه‌آهن و حتی آثار تاریخی را در معرض نابودی قرار می‌دهد.



کشاورزی تشنه، زمین‌بی‌جان بیش از ۹۰درصد آب تجدیدپذیر ایران در بخش کشاورزی مصرف می‌شود، آن‌هم در شرایطی که بیش از نیمی از زمین‌های کشاورزی با روش‌های سنتی آبیاری می‌شوند و در بسیاری از مناطق خشک کشور، همچنان محصولاتی کشت می‌شوند که نیاز آبی آن‌ها چندبرابر ظرفیت اقلیمی منطقه است. هندوانه، برنج و صیفی‌جات در مناطق جنوبی و مرکزی ایران نه‌نماد توسعه کشاورزی، بلکه نماد فروپاشی مدیریت منابع آب هستند. روستاهای متعددی در خراسان، سیستان، کرمان و فارس دیگر آبی برای کشت ندارند، مهاجرت‌های گسترده روستاییان به حاشیه شهرها در سال‌های اخیر، نه‌از سر میل به رفاه، بلکه از سر اجبار بوده است که در نتیجه ایران در حال تجربه مهاجرت اقلیمی است مهاجرتی که آرام، اما ویرانگر است. تا سال ۱۴۳۰، پیش‌بینی می‌شود بیش از ۱۵میلیون ایرانی ناگزیر از مهاجرت اقلیمی شوند؛ از روستاها و شهرهای خشک به مناطق شمالی و مرطوب‌تر مهاجرت می‌کنند و این جابه‌جایی عظیم انسانی، اگر بدون برنامه باشد، می‌تواند ساختار اقتصادی، جمعیتی و امنیتی کشور را متزلزل کند و مردمی که آب ندارند، زمین خود را ترک می‌کنند و ایسن، آغاز یک بحران تمدنی است.

فرونشست: تکرار هر روز زلزله

فرونشست زمین شاید در ظاهر پدیده‌ای آرام باشد، اما پیامدهای آن به مراتب از زلزله خطرناک‌تر است و در دشت‌های مرکزی ایران، ترک‌های عمیق در زمین پدید آمده‌اند، قنات‌ها فرو ریخته و تأسیسات شهری دچار نشست‌های متوالی شده‌اند. سازمان نقشه‌برداری کشور اعلام کرده است که بیش از ۶۰۰دشت ایران درگیر فرونشست زمین هستند و در بسیاری از مناطق، این پدیده از حد بحران عبور کرده است و اگر روند کنونی ادامه یابد، بخش بزرگی از خاک ایران تا دوده‌ای آینده به بیابان غیرقابل‌زیست تبدیل خواهد شد. اگر خشکسالی چهره‌ظاهری بحران است، فرونشست زمین قلب فروپاشی است اما امروز در بیش از ۶۰۰دشت کشور، زمین در حال نشست است؛ در برخی مناطق تا ۴۰سانتی‌متر در سال. این رقم، هشدار برای آینده زیرساخت‌ها، سکونتگاه‌ها و حتی حیات سرزمینی ایران است. مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد اگر روند فعلی ادامه یابد، تا سال ۱۴۲۰ بیش از ۴۰درصد مساحت ایران غیرقابل سکونت خواهد شد و این یعنی مهاجرت‌های گسترده داخلی، فشاری که بر منابع شهری و بحران‌های امنیتی ناشی از رقابت بر سر آب و زمین می‌آورد –در نتیجه فرونشست زمین– نه تنها شکاف در خاک، بلکه شکاف در آینده است؛ آینده‌ای که در آن نقشه ایران ممکن است از درون فرو بریزد.

«سراسرآمد» بررسی کرد؛

# سرنوشت مبهم سیاست آبی و تکرار خطاهای استراتژیک

تشنگی در سراسر ایران گسترش می‌یابد!

بی‌برنامه، سدسازی‌های افراطی و سیاست‌های انتقال آب از حوضه‌های ساحلی به مرکزی، شریان ارتباطی دریا با سرزمین را قطع کردند. اکنون، رودخانه‌هایی که باید به دریا می‌رسیدند، در مسیر سد‌ها می‌میرند و قنات‌ها تالاب‌ها و مصب‌ها، قربانی طرح‌های انتقال و توسعه شهری شده‌اند و این یعنی دریا تشنه است، چون از آب شیرین محروم مانده و سرزمین تشنه است، چون دریا را فراموش کرده است.

دریا‌های خسته، سواحل بی‌رمق

دریا‌ها آینه‌ای از حال زمین‌اند و در خلیج فارس، افزایش دمای آب، نشست نفت و ورود پساب‌های صنعتی و نمک‌زدا، اکوسیستم‌های مرجانی را نابود کرده است، در دریای خزر، کاهش سطح آب و ورود آلاینده‌ها زیست‌ماهیان خاویاری را به آستانه نابودی رسانده است و در دریای عمان، جریان‌های گرم و شور حاصل از شیرین‌سازی آب در حاشیه خلیج فارس، به تدریج در حال تغییر توازن اکولوژیک منطقه‌اند.

تجربه جهانی: از ساحل تا امنیت

بسیاری از کشورهای خشک در دهه‌های اخیر با تغییر نگاه از منابع محدود داخلی به منابع گسترده دریایی، توانسته‌اند امنیت آبی خود را تضمین کنند. عربستان، امارات و کشورهای حوزه خلیج فارس با سرمایه‌گذاری در نمک‌زدایی و انتقال هوشمند آب دریا، نه‌تنها بحران را مهار کرده‌اند بلکه به صادرکنندگان دانش فنی این حوزه تبدیل شده‌اند و در مقابل، ایران هنوز درگیر تعارض میان توسعه و محیط‌زیست و میان مرکز و پیرامون است. دریا‌های پیرامونی ایران، به‌ویژه خلیج فارس و دریای عمان، ظرفیت‌های بی‌ظنیری برای ایجاد امنیت آبی پایدار دارند و دسترسی جغرافیایی گسترده، بیش از هزار کیلومتر مرز آبی، زمینه‌ای برای ایجاد شبکه‌های انتقال آبی و اقتصادی از جنوب به فلات مرکزی فراهم کرده است که با پتانسیل انرژی تجدیدپذیر و با استفاده از انرژی خورشیدی و بادی برای شیرین‌سازی آب در سواحل جنوبی می‌تواند وابستگی به سوخت‌های فسیلی را کاهش دهد. فرصت‌های ژئواقتصادی در توسعه صنایع آب‌محور، از کشاورزی دریایی گرفته تا صادرات فناوری نمک‌زدایی، می‌تواند جایگزین درآمدهای ناپایدار نفتی شود.

ایران، میان موج و کویر

تشنگی ایران دیگر فقط فرباد دشت‌ها نیست؛ ناله دریاست که از دور می‌آید و دریایی که زمانی مهد تجارت، صلح و زندگی بود، امروز شاهد فروپاشی سرزمین مادری‌اش است و اگر روزی ایرانیان با قنات‌ها زمین را سیراب کردند، امروز باید با خرد دریا، آینده را نجات دهند و تا زمانی‌که دریا را به چرخه زندگی، سیاست و توسعه بازنگردانیم، تشنگی ایران ادامه خواهد داشت؛ تشنگی‌ای که نه از نبود آب، بلکه از نبود درک است. اگر امروز نپذیریم که آب، همان امنیت ملی است، فردا دیگر فرصتی برای پذیرش نخواهیم داشت و دریا نه‌تنها مرز نیست، بلکه نیاتگاه ایران است و نگاه دریامحور، تنها یک گزینه زیست‌محیطی نیست؛ استراتژی بقا و توسعه پایدار در قرن بیست‌ویکم است. ایران اگر می‌خواهد از مرگ تدریجی در خشکی بگریزد، باید به دریا بازگردد و ایران باید دوباره یاد بگیرد از دریا بنوشد، نه از خاک، زیرا آینده ایران، آب است یا نیست.

آب: محور امنیت ملی

بحران آب امروز فقط چالشی زیست‌محیطی نیست؛ مسئله‌ای است که به امنیت ملی و اجتماعی ایران گره خورده است که در سال‌های اخیر، کاهش حقایه‌ها در مناطق جنوبی و شرقی کشور به اعتراضات محلی و تنش‌های اجتماعی انجامیده است. در خوزستان، خشک‌شدن تالاب‌ها و رودخانه‌ها نه‌تنها اکوسیستم منطقه را نابود کرده، بلکه به تهدیدی جدی برای معیشت هزاران خانواده تبدیل شده است و همچنین در سیستان، خشک‌شدن هامون ده‌ها روستا را خالی از سکنه کرده و مهاجرت‌های اجباری را شدت بخشیده است. بحران آب، اگر بی‌پاسخ بماند، می‌تواند در آینده به بحران‌های قومی، اقتصادی و امنیتی منجر شود؛ بحرانی که هیچ دیواری توان مهارش را نخواهد داشت.

سیاست‌های آبی و تکرار خطاها

دهه‌هاست که نگاه مدیریت آب در ایران بر پایه تأمین بنا شده است، نه مدیریت مصرف. سدسازی‌های گسترده، طرح‌های انتقال بین حوضه‌ای و توسعه بی‌رویه صنعتی در مناطق خشک، از جمله خطاهای پرهزینه‌ای بوده‌اند که اکنون کشور تاون آن را می‌دهد. این در حالی است که کشورهای پیشرفته جهان توانسته‌اند با فناوری، بازچرخانی و فرهنگ‌سازی، مصرف آب را کنترل کنند، اما ایران همچنان درگیر شیوه‌های دهه‌های گذشته است.

تشنگی ایران در مرز خفگی

تصویر امروز ایران، تصویر سرزمینی است که نفس‌های آخرش را با دهان خشک می‌کشد و رودخانه‌ها به جویبارهای بی‌جان بدل شده‌اند، تالاب‌ها به شوره‌زار و مردم به تشنگی عادت کرده‌اند. اما این عادت، خطرناک‌ترین مرحله بحران است زمانی که جامعه به بی‌آبی خو می‌گیرد، مرگ خاموش آغاز می‌شود. تشنگی ایران فقط کمبود آب نیست؛ نماد زخمی است عمیق‌تر از خشکی خاک زخمی از بی‌تدبیری، بی‌تفاوتی و فراموشی مسئولیت جمعی را نشان می‌دهد. اگر امروز صدای زمین را نشنویم، فردا هیچ فریادی شنیده نخواهد شد و ایران، کشوری که روزی با هوشمندی قنات‌ها به جهان آب داد، اکنون در آستانه خفگی ایستاده است که تشنگی، آرام و بی‌رحم، گلوئی این سرزمین را می‌فشارد.

خشکی در سرزمین دریاها

در کشوری که از شمال تا جنوب در آغوش دریاست، پارادوکس تلخسی جریان دارد، ایران کنار آب، از تشنگی می‌میرد که خلیج فارس و دریای عمان در جنوب و خزر در شمال، روزگاری شریان‌های حیاتی تمدن و تجارت ایران بودند، سرزمین ما از پشت به خشکی و از پیش به شوری رسیده است. بحران آب در ایران تنها خشکی زمین نیست؛ گسست تاریخی میان خشکی و دریاست و ما دریا را از زندگی، از توسعه و حتی از حافظه ملی حذف کردیم و حالا، در سرزمینی محصور میان دریاها، تشنگی نفس می‌کشد.

آینده‌ای که از دریا جدا شد

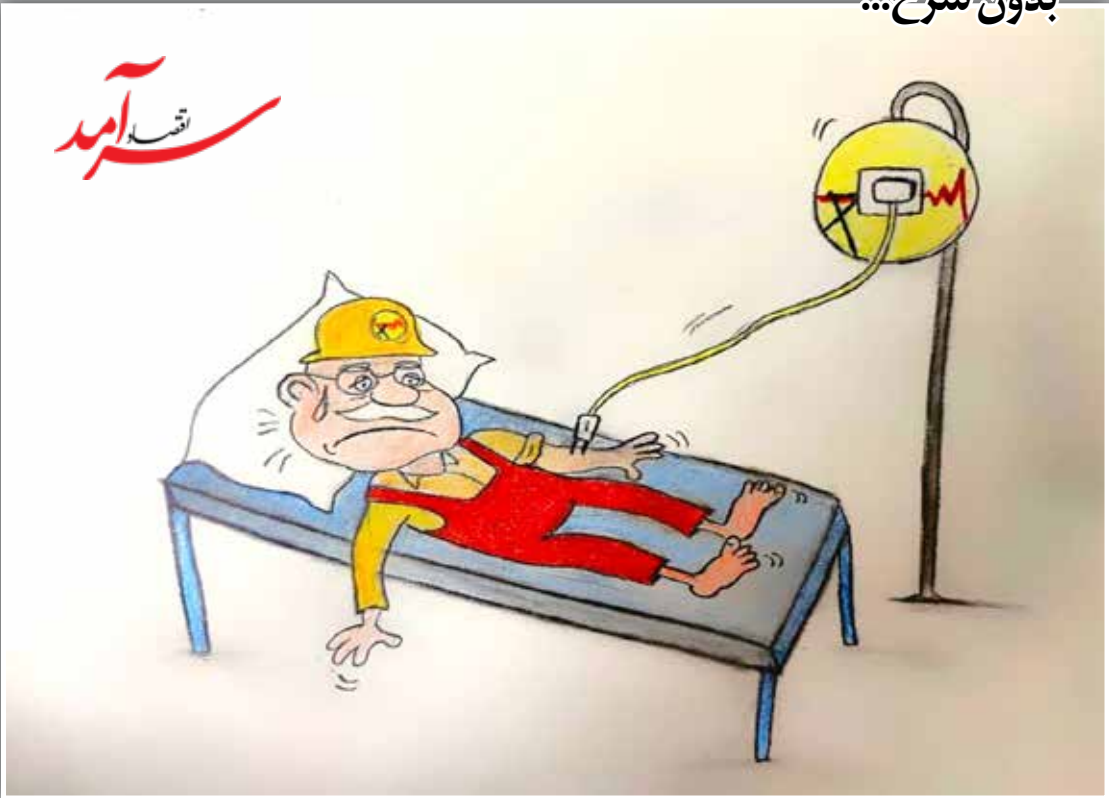
ایران روزگاری تمدنی آبی داشت؛ قنات‌ها در خشکی و بنادر در دریا، دو بال پایداری سرزمین بودند اما توسعه قرن اخیر، این توازن را شکست که کشور از دریا برید و به خشکی پناه برد؛ کشاورزی

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریبا عزیزی - اقتصاد سراسرآمد